



# خبرنامه

فبری سیاسی

مادر لباس ها را گرفت و گفت: (( هفت سال مرا از کرج به اوین کشانید و هر بار پرسیدم، دقتم کسی آزاد می شود؟ گفتید: بزودی. حالا بی آنکه نشانی کورش را برهید، تنها لباس هایش را تعویب می دهید لباس های او را بر آستانه در خانه مان آویزان می کنم تا یارمان نرود شما با ما چه کردید!))

## آمریکا و سلطه بلامنازع بر خاورمیانه

بابک

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی بسیاری از معادلات جهانی بویژه در عرصه جغرافیای سیاسی دستخوش تغییر و تحول شد و میان امپریالیست ها که تا آن زمان برای مقابله با شوروی رهبریت بلامنازع آمریکا را پذیرفته بودند برای تقسیم مجدد جهان شگاف ایجاد شد. تجلی بارز این دوره از حیات امپریالیست ها را باید در بحران ساختاری نظام سرمایه داری جستجو کرد که در ابعاد جهانی با بن بست همه جانبه مواجه است. سرمایه داری به دلیل ساختار نابرابر و کارکرد اقتصادی آن دیگر قادر نیست به نیازهای جامعه بشری پاسخ دهد و هرچه بیشتر به حیات خود ادامه می دهد تضادهای آن لاینحل تر می گردد، اتحادهای امپریالیستی برای چپاول منابع طبیعی و دسترنج توده های کارگر و زحمتکش جای خود را به رقابت و جنگ های منطقه و جهانی می دهد. بحران سرمایه داری آنچنان عمیق شده که امکان رقابت "سالم" برای چپاول ملل در میان کشورهای سرمایه داری بزرگ را به

بعد از ثائونی تبدیل کرده است. حمله به عراق و اشغال این کشور توسط آمریکا را باید در این عرصه مورد ارزیابی قرار داد. آمریکا حتی حاضر نیست به انحصارات غیر آمریکایی فرصت چپاول بدهد و ورود به منطقه که با اشغال نظامی عراق آغاز شده، با هدف سلطه بلامنازع آمریکا بر آن صورت گرفته است. آمریکا برای اینکه بتواند بر خاورمیانه و بویژه بر کشورهای نفت خیز آن سلطه ای یابد تلاش می کند حکومت های منطقه را در جهت سیاست ها و برنامه های خود آرایش دهد. اما این دگرگونی لزوما نباید مانند عراق با حمله نظامی صورت گیرد. تلاش آمریکا برای تغییر آرایش حکومت ها در منطقه تنها از این روی صورت می گیرد که این حکومت ها با شکل و شمایل و ساختار کنونی خود قادر نیستند به اهداف آمریکا برای سلطه بلامنازع انحصارات بر منطقه یاری برسانند.

بقیه صفحه ۲

## شرایط اسفبار هزاران ایرانی در اردوگاه الطاش

۱۵ هزار ایرانی از سال ها پیش در وضع بسیار غیر انسانی در اردوگاه الطاش در رمادیه بسر می برند. برخی از آنها مردم غیر نظامی هستند که در زمان جنگ ایران و عراق در شهرها و مناطق مرزی ایران به اسارت نیروهای عراقی درآمدند و از همان زمان در عراق ماندند. برخی دیگر نظامی هستند و در جریان جنگ به اسارت درآمدند و یا چون محل خدمت آنها در مناطق کردنشین ایران بود و نمیخواستند با برادران کرد خود بجنگند با به جای گذاشتن اسلحه های خود به عراق فرار کردند و بعد از چند ماهی که در زندان بسر بردند به این اردوگاه اعزام شدند. گروهی نیز به دلیل فعالیت علیه رژیم جمهوری اسلامی از ایران خارج شده و در این اردوگاه ساکن شده اند. اکثریت قریب به اتفاق این ۱۵ هزار ایرانی سال ها تلاش کرده اند با کمک سازمان های بین المللی نظیر کمیسیاری عالی پناهندگی سازمان ملل و صلیب سرخ جهانی از عراق خارج و به کشور امنی بروند اما همواره با پاسخ منفی مواجه شده و به ناچار برای امرار معاش به کارهای سخت و طاقت فرسا روی آوردند. بنا به گزارشاتی که در سال های پیش بدست ما رسید، شماری از مردان جوان ساکن این اردوگاه که مجبور بودند برای کار به مناطق دیگر عراق بروند هرگز به اردوگاه برنگشتند. برخی از گزارشات خبر از قتل آنان بدست قاچاقچیان اعضاء بدن انسان می دهند.

به دنبال آغاز جنگ آمریکا و متحدانش علیه عراق، شرایط زندگی در رمادیه وخیم تر از گذشته شد. اخبار رسیده حاکی از آن است که بسیاری از ساکنان این اردوگاه از کمبود مواد غذایی رنج می برند و خانواده ها قادر به تامین مواد غذایی برای کودکان و فرزندان خردسال خود نیستند. با استقرار نیروهای اشغالگر آمریکایی در عراق این واهمه وجود دارد که آنان به ایران برگردانده شوند. نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی حدود ۷ سال پیش در یک اقدام کثیف و فریبکارانه به میان ساکنان این اردوگاه رفتند و با وعده های توخالی از آنها خواستند به ایران برگردند، شناسنامه و مدارک شناساتی شمار وسیعی از آنها را به بهانه آنکه برای رفتن به ایران نیاز به مدارک و شناسنامه جدید دارند و باید تعویض شوند، از آنها گرفته و ناپدید شدند.

هیئت از کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) طی دو هفته اخیر در ارتباط با این جمع از ایرانیان، با نمایندگان کمیسیاری عالی پناهندگی سازمان ملل، سازمان عفو بین الملل و صلیب سرخ در استکهلم دیدار و گفت و گو کرد. هیئت کانون خواهان رسیدگی فوری به وضعیت رفاهی، معیشتی و درمانی ایرانیان ساکن اردوگاه الطاش شد و در راستای کمک به خروج آنان از عراق، قرار شد تماس های مشترکی با مسئولان دولتی و مهاجرتی چند کشور اروپایی و بویژه سوئد گرفته شود.

## زمینه های قتل عام زندانیان سیاسی

اسماعیل حق شناس

آرروزها زندانها و بازداشتگاه ها شرایط خاصی داشتند و دستگیری ها در سطح وسیعی ادامه داشت. آمار زندانیان سیاسی در یک سلول ۹ نفره به ۱۲ تا ۱۵ نفر و در بندهای عادی به ۲۰ نفر میرسید. رژیم برای کم کردن تراکم زندانیان عادی طرح انتقال معتادین به "جزیره" را اجرا کرد اما این طرح در مدت کمتر از ۲ سال ناموفق اعلام شد و معتادین به زندان های عادی برگردانده شدند. وضعیت جسمی معتادینی که از جزیره به عادل آباد برگردانده شدند باورکردنی نبود درست مثل زندانیان اردوگاه های آشویتس بودند که در قیلم های مستند دیده بودم. کاملا نحیف و رنجور بودند بطوری که تمام استخوانهایشان را می شد شمرد. جا به جای بدنشان کیود و زخمی بود و به علت سوء تغذیه دچار بیماری های لاعلاج شده بودند. وقتی پای صحبتشان نشستم

خاطرات وحشتناکی از جزیره نقل می کردند. جیره غذایی شان در روز فقط چند عدد حبوبات و کمی نان بوده و از میوه و سبزی محروم بوده اند. روزانه جیره شلاق داشتند. رژیم سعی کرده بود با ایجاد شرایط وحشتناک در جزیره معتادین را مجبور به ترک اعتیاد کند. اما بدنهای مرگ شماری از آنان بر اثر گرسنگی و یا هنگام فرار از جزیره و اعتراض خانواده هایشان، رژیم مجبور شده بود طرح جزیره را پس بگیرد. بالا بودن آمار زندانیان سیاسی رژیم را دچار مشکل جدی تر کرده بود. محکومیت مکرر در جوامع بین المللی به دلیل بالا بودن رقم اعدام ها و زندانیان سیاسی، نقض حقوق بشر، فشار خانواده های زندانیان و درگیری های درون حاکمیت نسبت به شیوه رفتار با زندانیان سیاسی، رژیم را به فکر چاره انداخت.

بقیه صفحه ۳

### در صفحات دیگر

- ۲..... وضعیت مجاهدین در عراق
- ۲..... بازسازی عراق توسط یک شرکت آمریکایی
- ۳..... حمله به سازمان مجاهدین خلق و کشتار اعضاء آن را محکوم می کنیم
- ۴..... اعتراضات گسترده کارگران چیت سازی به شهر
- ۴..... بروز فاجعه انسانی در مرز عراق و لندن

از هم اکنون باید در تدارک دادگاه سران جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت و عاملین شکنجه و اعدام و کشتار ده ها هزار دگراندیش سیاسی و فرهنگی، مردم کوچه و خیابان مبتنی بر معیارهای ویژه یک جامعه انسانی بود که در فردای واژگونی رژیم نقطه عطفی باشد برای دادقوایی و اجرای عدالت و مبارزه برای نفی زندان و شکنجه و اعدام و سرکوب در ایران.

# زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

## وضعیت مجاهدین خلق در عراق

نیروهای اشغالگر آمریکایی در عراق پایگاه‌های مجاهدین خلق را بمباران کردند. نیویورک تایمز به نقل از یک فرمانده ارتش آمریکا نوشت: آمریکا حداقل دو پایگاه سازمان مجاهدین خلق، از جمله ستاد فرماندهی نظامی آن بنام اردوگاه اشرف در ۱۰۰ کیلومتری شمال بغداد را ویران کرده است. خبر حمله به مجاهدین ابتدا در یک کنفرانس خبری از سوی رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا فاش شد. وی گفت ما هنوز دنبال این گروه هستیم و از آنها خواسته‌ایم بدون قید و شرط سلاح‌های خود را زمین بگذارند و تسلیم شوند.

به دنبال آن خبرگزاری‌ها اعلام کردند روز سه‌شنبه ۱۵ آوریل ۲۰۰۳ بین مجاهدین خلق و نیروهای ویژه آمریکا توافقنامه‌ای به امضاء رسیده که بموجب آن جنگجویان مجاهد که تعداد آنها به ۳۰۰۰ نفر می‌رسد باید همراه با ۷۰۰۰ نفر از بستگان خود سایر پایگاه‌های خود در عراق را ترک کرده و در پایگاه اصلی خود در بعقوبه در شمال شرقی بغداد اجتماع کنند. آنها باید کلیه سلاح‌های خود را از کار بیاندازند و بدون سلاح و با برافراشتن پرچم سفید روی ماشین‌هایشان در جاده‌های مشخص شده بطرف بعقوبه حرکت کنند. هوایماهای جنگی از بالا و نیروهای ویژه پیاده نظام آمریکا از پایین بر رفتار آنها هنگام تسلیم نظارت می‌کنند.

سرهنگ دوم نیک مورانو، افسر دیده‌بان در مرکز عملیات آمریکا در یک کنفرانس خبری گفت: "صدام آنها را بعنوان پناهنده به رسمیت شناخت، اما اکنون زندانی جنگی هستند و این برای ما مسئله ساز است. رژیم صدام ۴۰۰ تانک و زرهپوش به مجاهدین داده بود."

ژنرال وینسنت بروکس، سخنگوی مرکز فرماندهی ارتش آمریکا در جنگ عراق، روز سه‌شنبه ۲۲ آوریل، در قطر به خبرنگاران گفت: "ما در چند مورد با نیروهای سازمان مجاهدین خلق درگیر شدیم و تبادل آتش بین دو طرف صورت گرفت." از توصیف‌های این مسئول نظامی آمریکا بر می‌آید که شاخه نظامی سازمان مجاهدین خود را تسلیم ارتش آمریکا کرده است و اکنون تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت این نیروها در اختیار آمریکا است. به نوشته نیویورک تایمز، حمله به مجاهدین می‌تواند بیش از ۱۵۰ نماینده کنگره آمریکا از دو حزب دمکرات و جمهوری‌خواه که سازمان مجاهدین را یک منبع موثر فشار علیه جمهوری اسلامی توصیف می‌کنند، به خشم آورد.

## سه سال زندان برای قاتل ناموسی

پس از انتشار خبر قتل دختر ۷ ساله اهوازی به دست پدرش، هاشمی شاهرودی رئیس قوه قضائیه رژیم در پاسخ به استعلام رئیس دادگستری استان خوزستان، این پدر ۳۴ ساله را مفسد فی الارض شناخت و اعلام کرد دادگاه اجازه صدور حکم اعدام برای وی را دارد. اما خواهر نیمی، مردی که سر دخترش را بریده و در شهر گردانده بود به خبرنگار همبستگی گفت: حکم اعدام برادرش در دیوانعالی نقض شده و قاضی دادگاه او را به سه سال زندان محکوم کرده است.

تشکیل ائتلافی برای جایگزینی آن در صورت ناکام ماندن سیاست تغییر رژیم. در ائتلاف آمریکایی، بخش‌هایی از حکومت اسلامی نیز که خواهان حفظ نظام و تغییرات شکلی در آن هستند حضور خواهند داشت.

موفقیت و یا عدم موفقیت این دو پروژه که در اصل تفاوت چندانی با دستگاه سیاسی جاری ایران نخواهند داشت به توازن قوای طبقاتی در جامعه و سطح مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی و نفوذ خارجی بستگی خواهد داشت. اما تا آنجا که به جمهوری اسلامی مربوط می‌شود، اظهار نظر هاشمی رفسنجانی در مورد رفت‌وآمد برای رابطه با آمریکا نشان داد که جمهوری اسلامی و زیربنای سیاسی آن تا چه حد برای انطباق خویش با اوضاع سیاسی و حتی موسمی استعداد دارد.

این حقیقت بر توده‌های رنجکشیده مردم ایران پوشیده نیست که خواست آنان با خواست آمریکا برای تغییر رژیم در ایران یکی نیست. مردم ایران خواهان رسیدن به رفاه اجتماعی، آزادی و برابری هستند و با ساقط کردن حکومت اسلامی می‌خواهند خود کنترل جامعه و تولید و توزیع را بدست بگیرند و ثروت و سرمایه‌های کشور را که اکنون حکومت اسلامی برای سرکوب آنها هزینه می‌کند و عوامل سرمایه‌داری آنرا به غارت می‌برند، برای آبادانی و سعادت جامعه هزینه کنند. مردم ایران می‌خواهند خود تصمیم بگیرند چگونه کار و زندگی کنند. اما در صورتی که آمریکا بتواند دستگاه سیاسی ایران را بنا بر اهداف و برنامه‌های خود آرایش دهد، مردم ایران به هیچ یک از خواسته‌های خود نخواهند رسید. حکومتی که آمریکا روی کار آورد تنها وظیفه‌اش حفظ منافع آمریکا و انحصارات جهانی در ایران خواهد بود و سرمایه‌داران نوکیسه و عوامل آن در به‌یغما بردن ثروت جامعه و دسترنج توده‌های مردم شریک انحصارات آمریکایی‌ها خواهند بود.

توده‌های مردم ایران به یقین می‌دانند که باید نسبت به توطئه‌های آمریکا هوشیار باشند و برای رسیدن به خواسته‌های برحق و انسانی‌شان باید خود ابتکار عمل برای سرنگونی جمهوری اسلامی را بدست گیرند، با دفاع از حیثیت و استقلال خود امکان هرگونه مانور سیاسی را از آمریکا و متحدان دست نشانده و جبر مخوار ایرانی آن سلب کنند و با ساماندهی خویش همه گزینه‌ها را برای بزیر سلطه کشاندن جامعه ایران از آن‌ها بگیرند.

## بازسازی عراق توسط یک شرکت آمریکایی

شرکت بکتل برای تعمیر و بازسازی نیروگاه‌های برق، سیستم آب و فاضلاب عراق که بر اثر بمبارانهای هوایی تخریب شده‌اند، قراردادی به ارزش ۳۴ میلیون دلار با دولت آمریکا به امضاء رساند. با اینهمه مجموع قراردادهای دیگری که بدنبال آن خواهد آمد ارزش کل قراردادها را به ۶۸۰ میلیون دلار می‌رساند.

تنها شرکت‌های آمریکایی می‌توانستند برای این کار پیشقدم شوند و هیچ مناقصه‌ای اعلام نشده بود، بیشتر به خاطر آنکه شرکت‌های کشورهای دیگر کنار بمانند. بکتل رابطه نزدیکی با جمهوری خواهان، حزب حاکم آمریکا دارد. شرکت هالی برتون که مدیر آن دیک چینی معاون بوش است، قراردادی به ارزش ۹۸۰ میلیون دلار برای بازسازی بندرگاه‌ها و فرودگاه‌های عراق به امضاء رسانده است.

آمریکا و سلطه بلامنازع... این حکومت‌ها نه تنها در شکل بلکه کارکرد آنها نیز لزوماً باید تغییر کند و در خدمت به اهداف و منافع آمریکا و جهانی شدن (Globalization) قرار گیرند. در این شرایط نقش سنتی حکومت‌های محلی تضعیف و کم‌رنگ می‌شود و وظیفه آنها را انحصارات و سازمان‌های وابسته به آنها بعهده خواهند گرفت. در عرصه اقتصاد، تولید و تجارت همه چیز خصوصی می‌شود و به انحصارات آمریکایی و شرکت‌های فراملیتی سپرده خواهد شد. به عبارت دیگر، ملل منطقه حق تعیین سرنوشت و استقلال خود را از دست خواهند داد و این انحصارات آمریکایی و شرکت‌های فراملیتی خواهند بود که برای توده‌های این جوامع تصمیم خواهند گرفت که چگونه فکر کنند و چگونه کار و زندگی کنند و استثمار شوند. به این وسیله زمینه برای ادغام منطقه در جهانی شدن (Globalization) نیز فراهم می‌گردد و حجم زیادی از کارهای زیربنایی انجام خواهند گرفت که حلقه اسارت بر گردن عموم توده‌های کارگر و مزدبگیر را تنگتر خواهد کرد. خاورمیانه بخاطر موقعیت ژئوپولیتیکی آن و وجود منابع سرشار نفت در آن از مهمترین نقاط استراتژیک جهان برای چرخش سرمایه است که در شرایط درماندگی نظام سرمایه‌داری روزنه‌ای برای ادامه حیات آن محسوب می‌گردد.

باید توجه داشت که خانم رایس مشاور امنیتی جورج بوش در مصاحبه‌ای با واشنگتن پست اعلام کرد چنانچه آمریکا نتواند از طریق دگرگونی در حکومت‌های منطقه به اهداف خود برسد برای کنترل مناطق نفتی و استراتژیک برنامه‌های دیگری نظیر قطعه‌قطعه کردن حکومت‌های فعلی منطقه را بکار خواهد گرفت.

ایران بخشی از این استراتژی و تغییرات در منطقه است و هم‌اکنون شاهد تلاش‌های آمریکا برای ایجاد تغییرات در دستگاه سیاسی آن هستیم. عامل دیگری که آمریکا را بر آن داشته دست به تغییر حکومت اسلامی ایران بزند گسترش نارضایتی توده‌ها و جلوگیری از وقوع انقلاب اجتماعی در ایران است. اکثریت مردم ایران از وضعیت کنونی حاکم بر جامعه به تنگ آمده و خواهان دگرگونی‌های عمیق اجتماعی و سرنگونی حکومت اسلامی هستند. صف‌بندی‌های طبقاتی کارگران و سایر زحمتکشان نظیر معلمان در گستره مبارزات توده مردم ایران برای تغییر وضع موجود در حال شکل‌گیری است، از اینرو اقدام یکپارچه آنان علیه نظام سرمایه‌داری مذهبی حاکم بر ایران و منطقه ایجاد خواهد کرد. آمریکا با آگاهی از خواست توده‌های مردم ایران برای سرنگونی رژیم می‌خواهد با ایجاد تغییراتی در دستگاه نظام حاکم و یا قرار دادن ائتلاف مورد نظرش در پیشاپیش خواسته‌های آنان، از وقوع انقلاب در ایران جلوگیری نماید. درست سیاسی شبیه به آنچه که در هماهنگی با سایر قدرتهای سرمایه‌داری برای به انحراف کشاندن انقلاب ۵۷ به کار گرفت و جاده را برای قدرگیری یک رژیم مذهبی و ضد انقلابی هموار کرد.

آمریکا در حال حاضر برای ایجاد تغییر در ساختار حکومت کنونی ایران دو سیاست را به صورت موازی دنبال می‌کند؛ فشار به حکومت اسلامی برای ایجاد تغییر همه جانبه در سیاست‌های خود بطوری که با اهداف آمریکا در خاورمیانه خوانائی پیدا کند و

## زمینه های قتل عام ...

در آن زمان دو نظر در مورد نوع برخورد با زندانیان سیاسی در حاکمیت وجود داشت. یکی خط هزیمت مولفه و افراد نزدیک به آن بود که تلاش می کردند دست به قتل عام زندانیان سیاسی بزنند و دیگری خط منتظری و افراد نزدیک به او بود که نسبت به افزایش اعدامها و شکنجه زندانیان اعتراض داشتند. خمینی طی حکمی در سال ۶۰، بعد از اعدامهای گسترده ۳۰ خرداد، که به قوه قضائیه ابلاغ کرده بود از اعدام کسانی که در تیمهای عملیاتی شرکت نداشتند و یا زمان دستگیری مسلح نبودند صرف نظر کرده بود اما بعدا اعدام شدن و یا نشدن زندانی را مشروط به نظر بازجویان و سربازجویان کرد. در چنین شرایطی بود که قوه قضائیه برای تجدید نظر در پرونده های زندانیان سیاسی هیئت هانی متشکل از بازجوها، بازپرسها، دادیارها و روسای زندانها تشکیل داد. هدف این هیئت پانین آوردن آمار زندانیان سیاسی بود. شروع کار هیئت در شیراز همزمان بود با بازجویی های مربوط به تشکیلات زندان و این فرصتی بود که طرفداران قتل عام بتوانند گروهی از زندانیان را اعدام کنند. اعدام يك زندانی سیاسی که حکم قضائی قطعی داشت و به حبس محکوم شده بوده از نظر قضائی کار آسانی نبود پس باید موجبات اعدام فراهم می شد تا از نظر بیدادگاه های اسلامی زندانی شرایط اعدام را داشته باشد. هزیمت مذکور برای اعدام یا آزادی زندانیان معیاری را در نظر گرفته بود. زندانیانی که توبه آنان محرز شده بود می توانستند آزاد شوند و احراز توبه آنان هم مشروط به همکاری با بازجوها در شکنجه و زدن تیر خلاص و یا همکاری با زندانبانان در سرکوب سایر زندانیان بود.

شرط اعدام برای زندانیان مجاهد دفاع از ترورها و جنگ مسلحانه و برای کمونیست ها خواندن نماز و دفاع از مارکسیسم و کمونیسم بود. تقریباً همه زندانیان که در آن موقع در عادل آباد بودند از دفاع علنی از مواضع سیاسی خود یا دفاع از مواضع تشکیلاتی که در رابطه با آن دستگیر شده بودند خودداری کردند و همین باعث شده بود اعدام نشوند. کسانی که از مواضع خود دفاع می کردند در بازداشتگاه نگهداری می شدند و منتظر اعدام بودند. عده ای از مجاهدین مواضع سازمان را مورد نقد قرار دادند که باعث بوجود آمدن جریانی بنام خط سوم شد و عده ای هم به رهبری رجوی و عملکرد سازمان هنوز اعتقاد داشتند.

طرح طبقه بندی زندانیان سیاسی از چند سال پیش اجرا شده بود. زندانیانی که جمهوری اسلامی را قبول نداشتند و با زندانبانان و بازجوها همکاری نمی کردند در يك طبقه بودند که حدود يك سوم زندانیان سیاسی زندان عادل آباد را شامل می شدند. گروهی دیگر مخالفت با جمهوری اسلامی را به زبان نمی آوردند و گرچه منفعل بودند با زندانبانان هم همکاری نمی کردند. گروهی دیگر توانیین بودند که به همکاری، از شکنجه دوستان خود و تیر خلاص زدن به آنان تا آدم فروشی برای آزاد شدن از زندان دست می زدند. آنان از بهترین امکانات زندان استفاده می کردند و به مرخصی می رفتند. هیئت مذکور که توانیین آن را هزیمت عفو می نامیدند و بقیه آن را هزیمت مرگ، ابتدا ۱۰ تا ۱۵ نفر از تشکیلات زندان را اعدام کرد. قبل از اعدام با فریب و شکنجه آنان را وادار به اعتراف و مصاحبه ویدویی کردند.

اغلب آنان کسانی بودند که در دوران بازجویی های اولیه خود حتی هواداری و ارتباط با مجاهدین را منکر شده بودند و یا روی عملکرد مجاهدین مسئله داشتند و آنان را نقد می کردند اما چون بازجوها تصمیم گرفته بودند قتل عام راه بیاندازند، با شکنجه و فریب آنان توسط جلیل که مسئول اول تشکیلات زندان بود آنان را وادار به اعتراف به طرفداری از جنگ مسلحانه و ترور کردند. بازجوها جلیل را به سلولهای آنان فرستاده بودند تا آنان را ترغیب به دفاع از سازمان کند. بازجوها و هزیمت مرگ به این شکل پرونده آنان را تنظیم کردند که از لحاظ قضائی اعدام آنان موجه شود. يك شب جلیل را به سلول من فرستادند. من می دانستم او بریده است. ابتدا تحلیلی در مورد شرایط سیاسی ایران کرد و گشت رژیم به زودی توسط سازمان سرنگون می شود و می گفت امام زمان را در خواب دیده که به همه هواداران امر کرده که از مجاهدین دفاع کنند و از این قبیل حرفها.

بازجوها به جلیل قول داده بودند که او را اعدام نکنند اما گریه و التماس او را قبل از اعدام همه شنیدند. خیلی زود بقیه از دمی که بازجوها گذاشته بودند آگاه شدند. عده ای که اعتراف کرده بودند در دادگاه هزیمت مرگ دفاع از خود را پس گرفتند، اما پذیرفته نشد و همه اعدام شدند. اعدام زندانیان با اعتراض گسترده چه در داخل و چه در خارج روبرو شد. رژیم تحت فشار اعتراضات خانواده های زندانیان و جوامع حقوق بشر از ادامه اعدامها خودداری کرد و اقدام به آزاد کردن تعدادی از توانیین کرد و تبلیغات وسیعی در این باره بر اه انداخت. بقیه بچه های تشکیلات تجدید محاکمه شدند و مدت محکومیت آنان افزایش یافت.

با بسته شدن پرونده تشکیلات زندان به مرور بچه ها به عادل آباد برگردانده شدند. زندانبانان يك جابجائی جدید در بند انجام دادند و طبقه بندی قبلی زندانیان را تغییر دادند بطوری که توانیین را با بقیه زندانیان قاطی کردند تا بتوانند زندانی ها و فعالیت های آنان را تحت نظر بگیرند. شرایط زندان خیلی سخت تر شد. کسانی که نماز نمی خواندند و یا در نماز جماعت شرکت نمی کردند شدیداً شکنجه شده و به انفرادی برده می شدند. هرگونه انتقاد از رژیم و زندانبانان به پاسدارها گزارش می شد که منجر به شکنجه و یا انفرادی طولانی مدت می شد. زندانبانان سعی می کردند مقاومت زندانیان را در هم بشکنند و شخصیت سیاسی آنان را خورد کنند تا آنان را وادار به همکاری کنند. فشارها و شکنجه ها طاقت فرسا بود تا آنجا که تعدادی از پاسداران عصبی و روانی شدند و شرایط انتقال خود را از زندان به جانی دیگر فراهم کردند. تعدادی از زندانی ها تسلیم شدند. تماس ها و رابطه ها کاملاً مخفیانه صورت می گرفت. کلاسهای عقیدتی اجباری، طولانی و خسته کننده و بی سروته بودند. تصمیم گرفتیم با آن وضع مقابله کنیم. ابتدا در سخنرانی ها و مراسم هائی که به اجبار برده می شدیم سعی می کردیم نزدیک به هم بنشینیم و از گفتن صلوات و شعار دادن خودداری کنیم تا مراسم را بر هم بزنیم و به این وسیله از بردن ما به سخنرانی ها صرف نظر کنیم. شکنجه ها و فشارها بر ما بیشتر شد. کمتر زندانی طبقه ۳ را می شد یافت که جای شلاق در تن نداشته باشد. بلاخره يك روز با هماهنگی تمام زندانیان طبقه ۳ از رفتن به سخنرانی خودداری کردیم. می دانستیم پاسداران عکس العمل شدیدی نشان می دهند و همین طور هم شد. حدود ۱۰ نفر با کابل و زنجیر به طبقه ۳ هجوم آوردند و همه را بشدت مورد ضرب و شتم قرار دادند. همه خونین و مالین شدیم. پاسداران از

نفس افتادند و بعد از آنکه دستها و کابلهای خونیشان را شستند برگشتند پانین. ملاقه هایمان را تکه تکه کردیم و روی زخم هایمان بستیم ولی خونها را پاک نکردیم. فردای آنروز ملاقات داشتیم.

قصد داشتیم با همان سر و روی زخمی به ملاقات بریم که ممنوع الملاقاتمان کردند و از هواخوری هم محروم شدیم. روزهای بعد تعدادی از زندانیان طبقه ۲ هم از رفتن به کلاسهای عقیدتی خودداری کردند. آنها را هم به شدت کتک زدند و به طبقه سوم منتقل شدند. شبها بعد از خاموشی چند تا چند تا از زندانیان را به بیرون بند می بردند و شکنجه می کردند. تعدادی از بچه نتوانستند ادامه دهند و تسلیم شدند. نامه ای به دادستان نوشتیم و نسبت به رفتار زندانبانان و شکنجه های اعمال شده شکایت کردیم. با دخالت دادستان و مستقر شدن نماینده دادستان در زندان شکنجه ها موقتا قطع شد. نماینده دادستان مقرر کرد هرکس مقررات زندان را نادیده بگیرد اقدام به شورش محسوب می شود و شرکت در کلاس های عقیدتی را جزء مقررات زندان اعلام کرد.

دوباره مجبور شدیم به کلاسهای عقیدتی که فوق العاده بی محتوا و خسته کننده بودند برویم. راه دیگری برای مقابله با آن وضع پیش گرفتیم. در کلاسهای عقیدتی می خوابیدیم و یا چرت می زدیم و از دادن شعار و صلوات فرستادند خودداری می کردیم. این کار زندانبانان را بیشتر عصبانی می کرد. .... ادامه دارد .....

اطلاعه

### حمله به سازمان مجاهدین خلق و کشتار اعضاء آن را محکوم می کنیم!

بر پایه اطلاعیه ای که سازمان مجاهدین خلق ایران در چند روز گذشته منتشر کرده، چند مقر این سازمان در عراق در روزهای ۲۱، ۲۲ و ۲۳ فروردین مورد تعرض نظامی قرار گرفته که در نتیجه آن ۱۸ تن از اعضاء آن کشته، ۴۳ تن زخمی و تعدادی نیز مفقود شده اند. بنا به این اطلاعیه، رژیم جمهوری اسلامی با گسیل عوامل سرکوب خود به عراق اقدام به این جنایت کرده است. اندروگرین استاک، وابسته فرهنگی سفارت بریتانیا در تهران در گفت و گو با بخش فارسی بی بی سی گفته است که نیروهای آمریکائی دست به حملاتی علیه مقرهای مجاهدین در عراق زده اند و این کار با اطلاع رژیم ایران انجام گرفته است. بدنبال آن، ژنرال ریچارد مایرز، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا، روز چهارشنبه ۱۶ آوریل در يك کنفرانس خبری اعلام کرد که نیروهای آمریکا در منطقه مقرهای سازمان مجاهدین خلق را بمباران کرده اند.

مجموعه اخبار انتشار یافته نشان می دهد که تعرض به پایگاه های سازمان مجاهدین بر پایه همکاری مشترک نیروهای اشغالگر آمریکائی-بریتانیائی و حکومت واپسگرای جمهوری اسلامی انجام گرفته است.

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) حمله به پایگاه های سازمان مجاهدین خلق، کشتار و مجروح کردن اعضاء آن را قویاً محکوم می کند و خواستار محکومیت بین المللی این عمل جنایتکارانه است.

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

۲۸ فروردین ۱۳۸۲ برابر با ۱۷ آوریل ۲۰۰۳

آدرس های تماس با کانون  
زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

AIPP in exile  
P.O.Box 786  
St Marys 2760  
N.S.W Australia

AIPP in exile  
P.O.Box 35662  
A.B.Q.NM 87176-5662  
U.S.A

AIPP in exile  
P.O.Box 95  
123 22 Farsta  
Sweden

AIPP in exile  
Postbus 14559  
1001 LB Amsterdam  
Holland

AIPP en exile  
Postfach 101520  
50455 Koin  
Germany

تلفن های تماس با کانون

امور بین الملل 46-70-797 38 08  
امور پناهندگی 46-70-402 55 31  
واحد سوئد 46-70-699 83 73  
واحد استرالیا 61-2-96231 924  
واحد هلند 31-6-54917385  
واحد آلمان 49-174-5823006  
واحد امریکا 1-505-688 15 03

فکس های کانون

46-8-605 2669  
61-2-96231 924  
1-505-897 1666

پست الکترونیکی

aipp@kanoon-zendanian.org

صفحه اینترنت

www.kanoon-zendanian.org

کمک های مالی خود را به شماره  
حساب پستی :

Postgiro: 647039-7 در سوئد  
واریز و فیش بانکی را با کد مورد  
نظر به یکی از آدرس های کانون  
پست نمایند.

khbabnameh

The news letter of Association of  
Iranian Political Prisoners (in Exile)

## اعتراضات گسترده کارگران چیت سازی بهشهر

روز چهارشنبه ۲۷ فروردین، بهشهر از شهرهای استان  
مازندران شاهد تظاهرات عظیم کارگران چیت سازی  
بهشهر بود.

به گزارش "رویداد" ۱۰ هزار کارگر بهشهری روز  
چهارشنبه در مقابل پارک ملت این شهر تجمع کرده و  
خواستار رسیدگی به مطالبات و خواسته های خود شدند.  
کارگران چیت سازی بهشهر دو سال است حقوق و  
مزایای خود را دریافت نکرده اند. این کارخانه به بخش  
خصوصی واگذار شده و حکومت چیان معتقدند که بر اثر  
کمبود نقدینگی، بی برنامه گی، ضعف مدیریت و نبود مواد  
اولیه به حالت تعطیل افتاده است. رژیم به بهانه خصوصی  
بودن کارخانه از پاسخگویی به کارگران خودداری می کند  
و مدیریت خصوصی و سهامداران هم اعتنایی به مشکلات  
و بلا تکلیفی کارگران ندارند. در نتیجه دو هزار کارگر  
این کارخانه همراه با خانواده هایشان طی چند سال اخیر با  
مشکلات اقتصادی و معیشتی مواجهند. کارگران  
چیت سازی بهشهر بارها اعتراض کرده و خواهان  
رسیدگی به مطالبات خود شده اند اما جز وعده های  
بی حاصل چیزی نصیبشان نشده است. بر اساس خبرهایی  
که سایت "بازتاب" وابسته به محض رضائی منتشر کرده،  
نیروهای انتظامی به اجتماع ۱۰ هزار نفری کارگران  
بهشهر حمله کرده و بسیاری از آنان را مضرور و  
دستگیر کردند. در بیابگی دبیر اجرایی خانه کارگر  
مازندران که یک تشکل حکومتی است، شمار  
شرکت کنندگان در اقدام اعتراضی اخیر کارگران  
چیت سازی بهشهر را ۳۰ هزار نفره اعلام کرد و گفت  
حداقل بیست نفر دستگیر شده اند.

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) طی ارسال نامه ای  
برای بیش از ۴۰ اتحادیه کاری در سراسر جهان،  
ضمن ارائه گزارش مفصلی در باره وضعیت کارگران  
کارخانه بهشهر و تظاهرات اخیر این شهر، از آنان  
خواست نسبت به سیاست های ضدکارگری رژیم جمهوری  
اسلامی اعتراض کنند و خواستار اخراج هیئت نمایندگی  
رژیم از سازمان جهانی کار شوند. کانون همچنین طی  
نامه های به عضو بین الملل، از این سازمان خواست رژیم  
اسلامی را برای آزادی کارگران دستگیر شده تحت فشار  
قرار دهد.

## ادامه اعتراضات کارگری در بهشهر

با پایان یافتن مهلت ۴۸ ساعته کارگران کارخانه  
چیت سازی به مسئولان دولتی شهر بهشهر، روز دوشنبه  
اول اردیبهشت این شهر بار دیگر شاهد اعتراضات  
گسترده کارگران بود. به گزارش خبرنگار "رویداد" روز  
دوشنبه کارگران سازماندهی اعتراضی خود را به وسیله  
"سه سوت" کارخانه انجام دادند. با سوت اول کارگران  
جمع شدند، سوت دوم که به منزله آخرین اخطار به  
مسئولان بود، آمادگی آنها را برای حرکت اعلام کرد و با  
سوت سوم، موج کارگران به سمت شهر راه افتاد و با  
تعطیل کردن بازار و بیوستن مردم به آنها، بهشهر بار  
دیگر شاهد تظاهرات عظیم کارگری بود.  
شایان توجه است که ۳۰۰ تن از کارگران پالایشگاه گاز  
پارس جنوبی در اعتراض به سیستم اقماری دو به یک و  
بی توجهی مدیریت به خواسته هایشان، روز جمعه ۲۲  
فروردین دست به اعتصاب زدند. پالایشگاه ۸۰۰ کارگر  
دارد اما برای جلوگیری از توقف کار ۳۰۰ نفر به  
نماینده گی از بقیه دست به اعتصاب زدند. کارگران طی  
اقدامات اعتراضی خود موفق شده اند سیستم اقماری را که  
در ابتدا شش به یک بود، به دو به یک کاهش دهند و این در  
حالی است که کار اقماری در تمام دنیا یک به یک است.

## بروز فاجعه انسانی در مرز عراق و اردن

سازمان ملل طی انتشار بیانیه ای اعلام کرد که حدود  
۹۰۰ ایرانی و فلسطینی که در مرز حائل میان عراق  
و اردن بسر می برند، با فاجعه انسانی مواجه هستند.  
اردن با وجود درخواست سازمان ملل تاکنون حاضر  
نشده به این جمع اجازه عبور از مرز خود را بدهد.  
کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل گفته است این افراد  
ممکن است به آوارگانی در عراق تبدیل شوند.

به گفته پیتر کسلر، یکی از مسئولان کمیساریای عالی  
پناهندگی سازمان ملل در اردن کردهای ایرانی  
اکثریت این آوارگان را تشکیل می دهند که تا پیش از  
حمله آمریکا و متدانش به عراق در اردوگاه "تتش"  
در استان انبار در غرب عراق بسر می بردند. اما همه  
ایرانی هائی که در مرز اردن آواره اند کرد نیستند بلکه  
حدود شصت نفر از آنان افراد سالخورده و میانسالی  
هستند که در کشورهای اروپائی، آمریکا و کانادا  
سابقه پناهندگی دارند و می خواهند به کشورهای که  
قبلا در آن ها پناهنده بوده اند برگردند.

کسلر می افزاید، ۱۲۰ تن از آوارگان فلسطینی و  
۴۰۰ تن کودک هستند که تعدادی از آنها پدر و مادر  
خود را در جریان جنگ از دست داده اند.  
پیتر کسلر می گوید وضعیت این آوارگان روبه  
وخامت است. برخی از آنان تازه رسیده اند و مشکلات  
جدی جسمانی دارند و باید هرچه سریعتر در  
بیمارستان بستری شوند. فلسطینی های وضعیت  
وخیمتری نسبت به سایر آوارگان دارند. او به نقل از  
آوارگان فلسطینی می گوید ظرف چند روز گذشته  
افراد مسلح عراقی به شکلی سازمان یافته به  
فلسطینی هائی که در محله های بیجی و بلدات بغداد و  
شهرک حریت زندگی می کردند حمله کرده و به آنان  
گفته اند اگر خانه های خود را ترک نکنند، مردانشان را  
کشته و به زنانشان تجاوز خواهند کرد.

امور پناهندگی کانون زندانیان سیاسی ایران (در  
تبعید)، طی ارسال نامه ای به وزارت امور خارجه  
اردن نسبت به برخورد این کشور با این آوارگان  
اعتراض کرده و خواستار صدور اجازه عبور برای  
آنها شده است.

## دو دانشجوی فعال به زندان محکوم شدند

بنا بر گزارش "رویداد"، دو دانشجوی فعال بنام های  
"کوروش صحت" و "امیر عباس فخر آور" بترتیب  
هرکدام به ۶ و ۷ سال زندان محکوم شدند. یک دانشجو  
به خبرنگار رویداد گفته که این دو نفر در بند متهمان  
به قتل زندان قصر بودند اما اکنون به بند زندانیان  
مالی در اوین منتقل شده اند.

## ۵ نفر در زندان قصر به دار آویخته شدند

به گزارش روزنامه اعتماد، چاپ ۲۸ فروردین، پنج  
نفر از محکومان به قصاص در محوطه زندان قصر  
به دار آویخته شدند. دو تن از اعدام شدگان به نامهای  
"حبیب افراسیابی" و "مجید باقری" از سوی همتیار،  
رئیس شعبه ۱۶۰۸ دادگاه جنائی محکوم شده بودند.  
"علی کشاورز" متهم بود به هنگام سرقت یک تخته  
قالی مسجد با پیرزن خادم درگیر شده و او را به قتل  
رسانده بود. "یونس سیاه پوش" به اتهام قتل در شعبه  
۱۶۰۳ دادگاه جنائی تهران و "اکبر شریفی" به اتهام  
قتل در شعبه دوم دادگاه عمومی دماوند به اعدام  
محکوم شده بودند که پس از تائید دیوان عالی رژیم  
سحرگاه روز چهارشنبه ۲۷ فروردین در حضور  
اولیای دم به دار آویخته شدند.